



بررسی آسیب شناسی وضعیت کنونی هویت در بین نسل هزاره سوم

مرضیه بابایی زاده

babaei2625@vatanmail.ir

چکیده

پیشینه مسئله هویت به آغاز تاریخ انسان بازمی‌گردد زیرا از دیرباز انسان‌ها به دنبال تعریف و شناسایی خویش، قبیله، قوم، ملت و نیز کشف تمایزهای خود از دیگران بوده‌اند. هرگونه اختلال در هویت نه تنها زنگ خطری ست برای آینده جامعه بلکه شاخص مهمی برای ارزیابی کارآمدی نهادهای مختلف اجتماعی و در راس آنها نظام تعلیم و تربیت است. در این مقاله سعی شده ضمن بررسی عواملی که باعث بحران هویت در بین نوجوانان و جوانان شده، به ارزیابی کارآمدی نهاد آموزش و پرورش و خانواده در این زمینه و همچنین راه‌هایی که می‌توان با همکاری آنها در جهت تقویت هویت نسل جوان گام برداشت، پرداخته‌ام.

کلمات کلیدی: بحران هویت، امنیت اجتماعی-فرهنگی، تحولات فزاینده، جهانی شدن رسانه‌ها، برنامه درسی.

مقدمه:

بی تردید یکی از مسائل عمده‌ای که در سال‌های بعد از انقلاب به ویژه در سال اخیر، مسئولان، مطرح کرده‌اند مسئله بحران هویت است. تغییرات سریع و پرشتاب دهه‌های اخیر و دگرگونی‌هایی که در عرصه‌های مختلف اجتماعی جوامع رخ داده است هویت و هویت‌یابی را با چالش‌ها و بعضاً بحران‌هایی مواجه کرده است. بدیهی است ضعف در هویت‌یابی و هویت ملی از عوامل عمده زمینه‌ساز تهاجم فرهنگی ست و شریعتی پدیده بی‌هویتی را از حربه‌های کهنه استعمار در ایران می‌داند. گسترش ارتباطات و مقوله جهانی شدن، هم باعث از هم پاشیدن مرزهای فرهنگی کشورمان در درون فرهنگ‌های غربی شده است و هم آن‌که باورها و اعتقادات مذهبی نسل جوان ما را تضعیف کرده است. که این خود باعث فاصله بین اعتقادات دو نسل شده است. امروزه بسیاری از صاحب‌نظران، جامعه‌شناسان و روانکاوان از ضعف و کم‌رنگی ارزش‌های دینی و اخلاقی و نیز ارزش‌های فرهنگی در میان نسل جوان ابراز نگرانی کردند، ضعف اهتمام به نماز، عدم رعایت پوشش مناسب از سوی دختران، کم‌توجهی به حفظ حریم محرم-نامحرم، رواج پدیده مدگرایی، ضعف انگیزش علم‌خواهی و... از جمله این نگرانی‌ها در این زمینه است. در واقع جوانان امروز عهده‌دار مسئولیت‌های فردا خواهند بود، پس هرگونه سرمایه‌گذاری در جهت شناخت عوامل موثر تربیت و ریشه‌های مذهبی آنان در واقع یک سرمایه‌گذاری اساسی محسوب می‌شود که سلامت جامعه فردا را تضمین خواهد کرد. بخصوص جامعه ما که بیش از نیمی از جمعیت آن را جوانان به خود اختصاص داده‌اند. یکی از مکان‌هایی که ساعات بسیاری از وقت نوجوانان را به خود اختصاص می‌دهد مدرسه است. اگر محیط مدرسه، مدیران و مربیان تربیتی طوری شکل داده شوند که به تثبیت باورهای نوجوانان بپردازند کمک بزرگی به اعتلای روح خداجوی



نوجوان می کنند. هدایت دانش آموز در مسیر رشد و سیراب کردن روح تشنه معنویات وی یکی از اهداف مدارس است. (قربان زاده ۱۳۷۶ص ۸۱) تاکید بر تربیت دینی و اخلاقی و تقویت آن در دانش آموزان از این جهت اهمیت دارد که آنها در آینده ای نه چندان دور مسئولیت اداره جامعه را به عهده خواهند گرفت. خانواده نیز نقش بسیار تعیین کننده ای در پیشرفت و توسعه اجتماعی دارد ، اگرچه شرایط صنعتی شدن و پیدایش ساختار جدید اجتماعی بعضی از وظایف خانواده را به دیگر نهادهای اجتماعی محول کرده ولی خانواده هنوز هم کانون اصلی جامعه پذیری فرد محسوب می شود و والدین بسیاری از هنجارها ، ارزش های فرهنگی و مهارت های مربوط به زندگی فردی را از طریق ارتباط با فرزندان در فرایند جامعه پذیری به آنها منتقل می کنند(غفوری کله ۱۳۸۴ص ۵).

الف- کلیات

۱/الف- اهمیت و ضرورت تحقیق:

با توجه به اینکه دوران کنونی به تعبیری دوره دل مشغولی انسان معاصر در زمینه شناخت و حل معمای هویت لقب گرفته است، در چنین فضایی بررسی و شناخت هویت ملی از این نظر اهمیت دارد که بر تمامی حوزه ها از جمله فرهنگ ، اجتماع ، سیاست و حتی اقتصاد سایه افکننده است(میرمحمدی ۱۳۸۴ص ۱۳) امروزه بسیاری از صاحب نظران از بحران هویت بحث می کنند که در نهایت منجر به گسست نسل ها می شود و انواع پیامدهای منفی را در بر خواهد داشت. رفع بحران هویت و پیوند نسل ها که در نهایت منجر به انسجام اجتماعی نیز خواهد شد، در گرو توجه و تاکید بر هویت اجتماعی و از آن جمله بعد ملی آن در تمامی اقسام مختلف و به ویژه در میان نوجوانان جامعه است و یکی از نتایج آن این است که متضمن امنیت ملی جامعه و افزایش یکپارچگی خواهد شد(شفرز ۱۳۸۳ص ۱۲۵).

۲/الف- هدف تحقیق:

بررسی و آسیب شناسی وضعیت موجود هویت در بین جوانان و نوجوانان و ارزیابی کارآمدی نظام آموزش و پرورش و خانواده در رابطه با هویت .

۳/الف- سؤال تحقیق:

چرا مسئله بروز بحران هویت ملی در بین جوانان ایران اهمیت دارد؟ و این که آیا نهادهای اجتماعی ، از جمله رسانه ها ی مجازی ، مدرسه و خانواده در جهت برطرف کردن بحران هویت گام های موثری را برداشته اند یا نه؟

۴/الف- روش تحقیق:

روش تحقیق حاضر، توصیفی بوده و نوع تحقیق نظری است.

۵/الف- روش و ابزار گردآوری اطلاعات:

جمع آوری اطلاعات در زمینه پژوهش حاضر، به روش کتابخانه ای و بهره گیری از کتب ، نشریات و مقالات مرتبط با موضوع تحقیق و فیش برداری از مطالب با رعایت امانت انجام شده است.



ب) تعاریف و اصطلاحات:

هویت:

هویت برساخته ای اجتماعی است که اولاً کیفیتی ثابت یا ذاتی نیست، بلکه ساخته می شود و سپس در تعامل با دیگران تغییر می کند. دوم این که هویت توأم با احساس تعلق است یعنی این که بدانیم "چه کسی هستیم" با عضویت در گروه یا گروه های اجتماعی که از اعضای شبیه به یکدیگر تشکیل شده اند معنی پیدا میکند. سوم این که مسئله هویت به تفاوت با دیگران نیز مربوط می شود، بخشی از دانستن این که "چه کسی هستیم" و دانستن این که "چه کسی نیستیم" و چهارم این که هویت اکتسابی و انعطاف پذیر است.

هویت در نظر اریکسون عبارت است از حالتی که فرد بتواند بین تصویری که از ثبات و یگانگی خود دارد و تصویری که دیگران از او دارند هماهنگی ایجاد کند (اریکسون، ۱۹۶۰). چنین حالتی همراه است با تعهد به نقش های شغلی، ارزش ها و گرایش های جنسی (اریکسون، ۱۹۶۸). استاد مطهری هویت را وجود احساس مشترک یا وجدان و شعور جمعی در میان عده ای از انسان ها می داند که یک واحد سیاسی یا ملت را می سازند، به نظر وی هویت دو پایه دارد ایرانی بودن - اسلامی بودن.

انواع هویت:

هویت دارای انواع سطوح و سلسله مراتب مختلفی است. اما در یک دسته بندی کلی می توان دو نوع هویت را از یکدیگر متمایز کرد.

۱- هویت فردی: یعنی همان چیزی که فرد به واسطه ویژگی ها، خصوصیات یگانه و منحصر به فرد خود مورد شناسایی قرار می گیرد و در عین حال از دیگران متمایز می شود.

۲- هویت جمعی: عبارت از تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص، چنین تعلق موجب احساس همبستگی و شکل گیری یک واحد جمعی می شود که با عنوان "ما" از "ماهای" دیگر جدا می شود. (توسلی، قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۲).

هویت ملی:

یکی از جامع ترین بخش های هویت جمعی، هویت ملی است که فراگیرترین و در عین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام های اجتماعی است (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۹۶). و دارای بیشترین اهمیت به لحاظ وحدت و انسجام ملی در درون یک جامعه است. امروزه هویت ملی به قدری اهمیت پیدا کرده که برخی از اندیشمندان، هویت ملی را زیربنای تمامی انواع دیگر هویت ها می دانند (پول، ۲۰۰۳). اسمیت معتقد است هویت ملی را می توان "باز تولید و باز تفسیر دائمی ارزشها، نمادها، خاطره ها، اسطوره ها و سنت هایی دانست که میراث متمایز ملت ها را تشکیل می دهد و تشخیص هویت افراد با آن الگو، میراث یا عناصر فرهنگی امکان پذیر است (اسمیت ۱۳۸۳، ص ۳۰). هویت ملی تقریباً آخرین هویت اکتسابی است که توسط فرد طی فرایند جامعه پذیری از طریق خانواده مدرسه و رسانه کسب می شود (شیخوندی، ۱۳۷۹، ص ۱۳).



بحران هویت:

زمانی که فرد یا جامعه از عناصر هویت ساز خویش مانند دین، زبان، نژاد، قومیت و فرهنگ آگاهی نداشته باشد و عناصر هویتی خود را به عنوان شاخص های شناخت یک جامعه از دست بدهد و عناصر دیگر نیز به جای آنها شناخته نشده باشد فرد یا جامعه با بحران هویت مواجه می شود. به عبارت دیگر عدم تعلق زمانی و مکانی به فرهنگ و هویت خویش و بی ارتباطی با ریشه ها و اصالتها، فرد و جامعه را در موقعیتی قرار می دهد که به بحران هویت معروف است و سردرگمی در نقش را رقم خواهد زد.

امنیت:

امروزه مفهوم امنیت در سطح ملی عبارت است از دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد تا در راه پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی، تامین وحدت، موجودیت کشور و رفاه عامه گام بردارد (روشندل ۱۳۷۴ ص ۱۳).

در راهبرد ملی امنیت بر دو گونه است.

۱- امنیت داخلی: که به برخورداری از آرامش داخلی در کشور و حاکمیت نظام و قانون اطلاق می شود. ۲- امنیت خارجی: که به معنی ایمن بودن از هرگونه تجاوز خارجی که معمولاً توسط بیگانگان صورت می پذیرد گفته می شود.

پ) ادبیات نظری:

برای بحث بحران هویت بیشتر، نسل هزاره سوم یعنی جوانان و نوجوانان مورد توجه ما هستند. با توجه به این، عواملی که باعث آسیب زدن به هویت آنها می شود را مورد بررسی قرار دادم.

مطابق با نظریه پردازان بزرگ روانشناسی در حوزه هویت مانند اریکسون، ماریس، برزونسکی، هویت هسته اصلی شخصیت فرد است و هر فرد در دوره هویت یابی یعنی در حدود سال های نوجوانی و جوانی در پی شناخت از خود است. پس مهم ترین دوره بروز بحران هویت می تواند دوره نوجوانی باشد. چون دوران نوجوانی دورانی است که فرد در مفصل دو دوره خاص واقع شده است. از سویی دوران کودکی واز سوی دیگر دوران بزرگسالی. انتقال از کودکی به بزرگسالی مستلزم دو چیز است یکی مهار و غلبه بر ضعف های دوران کودکی و دیگری آمادگی برای ورود به عرصه بزرگسالی. یعنی توانایی به دوش کشیدن مسئولیت هایی که در این مقطع وجود دارد. فرد هنگامی با بحران هویت روبه رو می شود که بر ضعف های دوران کودکی غلبه نکرده و آماده پذیرش مسئولیت های بزرگسالی هم نشده باشد (باقری ۱۳۸۳، ص ۲۰۸). هویتی که نوجوان در صدد است تا به طور روشن با آن مواجه شود این است که: او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا کند چیست؟ آیا او کودک است یا بزرگسال؟ آیا توانایی آن را دارد که روزی به عنوان همسر یا پدر یا مادر باشد؟ آیا علی رغم مذهب یا زمینه های اصلی که احتمالاً این امور از نظر مردم کم ارزش جلوه می دهد احساس اعتماد به نفس دارد؟ (اریکسون ۱۹۶۸، ص ۱۴).

ایران کشوری است اسلامی که بیشتر مردم آن مسلمانند. اما بعضاً بعضی از شاخص های بحران هویت مانند تکلم به زبان های غیر از زبان فارسی، پوشش و لباسهای مغایر با فرهنگ و ارزش های اسلامی، تغییر و گریز از فرهنگ و ارزش های اسلامی

مدگرایی در آراستگی و پوشش، بالا رفتن سن ازدواج و گسترش ناهنجاری‌ها را در آن مشاهده می‌کنیم. و این سؤال تامل برانگیز پیش می‌آید که چرا جامعه اسلامی ما به این سمت سوق داده شده است. قبل از بررسی این مورد ابتدا باید بدانیم بحران هویت، کی و چه وقت در ایران آغاز شد؟ یا به عبارتی اولین لرزه‌های پایه‌های هویت از کجا شروع شد؟ برای بررسی بحران هویت در ایران باید به تاریخ گذشته آن برگردیم. ایرانیان تا اواخر دوره صفویه بحران هویت نداشتند و تلفیق نسبتاً کارآمدی بین ایرانی بودن و مسلمان بودن ایجاد کرده بودند (سریع القلم ۱۳۸۳). اما در حدود ۱۷۰ سال قبل که مربوط به دوره قاجاریه است ایران با عنصر غرب و لیبرالیسم غربی روبه‌رو شد. در آن زمان غربیها به گونه‌ای سریع، به دلیل دستیابی به دانش پیشرفته در علم و فناوری از جمله نظامی به پیشرفت‌های گسترده دست یافتند و این سبب برتری اروپا نسبت به سایر کشورها شد. پیشرفت غربیها در فنون نظامی خوی استعمارگری غرب را تقویت و مجال بهره‌کشی از ملل عقب مانده به ویژه ایران را به آنان بخشید. تهدیدهای عثمانی و روسیه علیه ایران از یک طرف و فرصت طلبی غرب برای فروش تجهیزات پیشرفته نظامی به این کشور از طرف دیگر موجب نوعی وابستگی ایران به غرب شد. در آن زمان ایران با دو رویکرد روبه‌رو شد. ۱- رویکرد طرد و نفی و انکار ۲- رویکرد مرعوب شدن، خودباختگی و تسلیم و متاسفانه رویکرد سومی که مبنی بر گزینش آگاهانه از تمدن غرب باشد در کار نبود. احساس ضعف و خودکم بینی و حقارت در برابر تمدن و فرهنگ غرب و به وجود آمدن نوعی تردید در باورهای فرهنگی، فکری و مذهبی باعث شد که ایران با تقلید شتاب زده و نسنجیده از عناصر فرهنگ غرب، احساس خودکم بینی و خود ناباوری را در خود جبران کند تا جایی که برخی از روشنفکران نظیر تقی زاده در این خصوص معتقد بود که برای رسیدن به قافله تمدن باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شویم. ولی غافل از این که روز به روز پابندی به ارزش‌ها، باورها و معتقدات فرهنگ خودی به تدریج ضعیف شد و رشته‌هایی که بخشی از هویت فرهنگی را شامل می‌شد از میان رفت و نوعی فرهنگ مقلد جایگزین فرهنگ مولد (برتر) شد و این سرآغاز از دست دادن هویت و خودباوری ما شد.

چرا از دست دادن هویت و بحران هویت دارای حائز اهمیت است؟

خداوند متعال در سوره قریش فرموده است اعوذ بالله من الشیطان الرجیم فلیعبدوا رب هذاالبیت الذی اطعمهم من جوع و امنهم من خوف. خداوند در دو جای قرآن یکی اوایل قرآن و دیگری آخر قرآن امر فرموده است من را عبادت کنید برای تشکر از من. اول قرآن در سوره بقره امر کرده من را عبادت کنید چون شما و پدران و نیاکان شما را آفرید. در آخر قرآن سوره قریش امر فرموده عبادت کنید من را به دو دلیل که یکی از آن دلایل مسئله امنیت است. در واقع در قرآن دلیل عبادت خدا، یکی خلقت و دیگری امنیت بیان شده است. در این جا وزن خلقت، وزن امنیت است. یعنی ارزش و اهمیت امنیت به اندازه ارزش و اهمیت آفرینش است. پس امنیت داشتن در هر جامعه‌ای نعمتی بس بزرگ است که باید قدر دانسته شود.

امنیت امروزه به عنوان اصلی ترین شاخص در رشد و تعالی یک جامعه تلقی می‌شود و یک موضوع با اهمیت برای کشورها محسوب می‌شود. در گذشته بیشتر مباحث پیرامون امنیت معطوف به ابعاد نظامی بود اما امروزه امنیت ملی متأثر از عوامل متعددی است. امنیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست-محیطی در کنار امنیت نظامی اهمیت یافته‌اند و به هم پیوسته هستند. غفلت از هر کدام از آنها سایر مولفه‌ها را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. امروزه کشورهایی از ثبات و امنیت برخوردارند که به تمام جنبه‌های امنیت توجه نمایند. امنیت در هر جامعه‌ای زمینه پیشرفت آن جامعه در مراحل گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌کند. و افراد آن جامعه میتوانند در سایه این آرامش و امنیت حضور خود را در عرصه‌های گوناگون داخلی و خارجی به مرحله ظهور برسانند و این حضور و پیشرفت حافظ اقتدار آن کشور است.

یکی از مولفه های مهم و تاثیر گذار بر امنیت ملی که سایر جنبه های امنیت از قبیل امنیت سیاسی و نظامی را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. امنیت فرهنگی و اجتماعی است.

امنیت فرهنگی و اجتماعی به مواردی همچون قابلیت حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، مذهب و در یک کلام هویت ملی مرتبط با هر کشور مربوط می شود. در واقع می توان گفت امنیت فرهنگی و اجتماعی ارتباط مستقیمی با هویت ملی دارد و یکی از مسائلی که امنیت فرهنگی و اجتماعی را در جوامع با چالش مواجه می کند، بروز بحران هویت است. در حوزه امنیت اجتماعی و فرهنگی، مقوله هویت و چیستی فرهنگ ملی برجسته می شود. حال اگر کشوری دچار بحران هویت باشد انسجام گروه های فرهنگی و اجتماعی در جامعه از بین می رود و درگیری های قومی و نژادی را شدید می کند و بعد داخلی امنیت را با تهدید مواجه ساخته و در نهایت امنیت ملی کشور را دچار مشکل می کند. فرهنگ و ارزش های بومی جامعه تخریب شده و نوعی از خود بیگانگی فرهنگی ایجاد می شود. در نتیجه چنین کشوری هیچ گاه نمی تواند راه سعادت کمال و متعالی خود را طی کند چرا که قومیت های مختلف درون جامعه هر کدام خود را تافته جدا بافته از کل احساس نموده و به یک هویت جامعی که کل کشور و قلمروهای سرزمینی آن را در برمی گیرد باور ندارند. از این رو دائما درگیر مسائل داخلی خود بوده لذا انرژی و سرمایه مادی و معنوی آن، در مسیر رشد، شکوفایی و بالندگی آن جامعه هزینه نخواهد شد. در واقع امروزه دشمنان با گرفتن هویت از نوجوانان و جوانان کشورمان به هر طریقی سعی بر به هم زدن امنیت در کشورمان دارند. حالا که فهمیدیم، چرا باید بحران هویت جدی گرفته شود در ادامه به عواملی که باعث تشدید این بحران بخصوص در بین جوانان و نوجوانان شده است و چگونگی راههای مقابله با آن، می پردازیم.

علاوه بر عدم مواجهه صحیح فرهنگ ایران با غرب که قبلا ذکر شد موارد زیر هم در تشدید بحران هویت در بین نسل هزاره سوم دخیل هستند. یکی از این موارد می توان به تحولات فزاینده اشاره کرد که باعث شده است، جوانان فرصت کافی را برای اندیشیدن به هویت و جایگاه خود نداشته باشند و در نتیجه درک درستی از فلسفه زندگی خود پیدا نکنند که این به نوبه خود گسست فرهنگی و تضاد نسل ها را به دنبال خواهد داشت. مورد دیگر آموزش تک بعدی در نظام آموزش و پرورش و دیگری می توان به نقش خانواده در تربیت فرزندان اشاره کرد. در ادامه به تشریح موارد بالا می پردازیم.

ت) تحولات فزاینده:

جریان پرشتاب زندگی امروز و تنوع جاذبه ها و مشغولیت های زندگی معاصر به شکل فزاینده باعث شده که آدمی در پیچ و خم سال ها و ادوار رشد، مجال آن را غالبا پیدا نکند که به خود بیندیشد و خود را بیابد و جایگاه خویش را در هستی مورد ارزیابی و بازنگری قرار دهد. این تحولات و تغییرات فزاینده بعضا به گونه ای اتفاق می افتد که انسان از تحلیل آنها عاجز و درمانده است. یکی از این تحولات می توان به مساله جهانی شدن رسانه ها اشاره کرد. ایران در حال سپری کردن با بحران های هویتی دوره تاریخی خود که معادل با دوره صنعتی شدن اروپا بود که به طور ناگزیر با پدیده جهانی شدن و فضای مجازی در فرایند ارتباطات نوین مواجه شد که این دوره تاریخی جدید (فراصنعتی) هم به همراه خود نوعی از عناصر بحران زای هویتی را نیز با خود حمل می کند و در واقع امروزه، جامعه ایران با دو گونه بحران هویتی با دو منشا و علل مختلف روبه رو است.

جهانی شدن رسانه ها برخاسته از یک زیربنای فکری است که در دهه ۱۹۹۰ در محافل علمی-سیاسی-اقتصادی و فرهنگی غرب به ویژه آمریکا رواج یافت.

جهانی شدن همان تحول اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی از میان می رود و روابط انسانی، کیفیت بدون مرز و بدون زمان به خود می گیرد. فرایند جهانی شدن و در پی آن رسانه های جدید اطلاعاتی و ارتباطی از دهه ۱۳۷۰ فضای سیاسی-اجتماعی و فرهنگی ایران را فرا گرفت و گسترش و نفوذ ماهواره ها و اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی به تدریج گرایش ها، رفتارهای سیاسی و کنش های اجتماعی در جامعه و به ویژه میان نسل جوان و نخبگان را متاثر ساخت و تغییرات و پیامدهایی را در حوزه های مختلف به همراه آورد. اصطلاح شبکه های اجتماعی اولین بار بارنز در سال ۱۹۵۴ مطرح کرد. شبکه های اجتماعی مانند فیس بوک محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ بر تعامل و تبادل اطلاعات می پردازند. در واقع شبکه های اجتماعی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده اند. امروزه از طریق اطلاعاتی که بر روی پروفایل افراد قرار می گیرد مانند عکس کاربر، اطلاعات شخصی و علایق (که همه این ها اطلاعاتی را در خصوص هویت افراد می آورد) برقراری ارتباط تسهیل می گردد. کاربران می توانند پروفایل های دیگران را ببینند و از طریق برنامه های کاربردی مختلف مانند ایمیل و چت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (پمیک و همکاران ۲-۹). اما مشکل این جاست که افراد در اینترنت و فضاهای مجازی و وب ... می توانند خودهای جدیدی را در دنیاهای جدید بسازند که در دنیای مادی اصلا وجود خارجی ندارند. افراد می توانند در جریان ارتباط گیری "هویت الکترونیک جداگانه ای" برای خود بسازند و هر بار خود را به یک صورت نشان دهند. بنابراین ابتدایی ترین تاثیر شبکه های اجتماعی-اینترنتی بر کاربران این است که هویت فعلی او را به چالش می کشد. ابتدا کاربر را از خود واقعی تهی می کند و سپس به او فرصت می دهد خود ایده آلیش را نشان دهد. جرم شناسان می گویند یکی از دلایل کثرت وقوع جرم در حاشیه شهرها، مهاجر نشین بودن آنها و ناشناخته بودن افراد یک محله برای همدیگر است. به تجربه ثابت شده که اگر افراد یک محل همدیگر را بشناسند کمتر مرتکب جرم و آسیب رسانی به یکدیگر می شوند. در این بین از آنجا که فضای مجازی، فضایی است که اهالی آن در عین ارتباط، همدیگر را نمی شناسند و هر روز می شود با یک هویت خاص، وارد این فضا شد، بنابراین این فضا خودبه خود به یک فضای جرم زا و آسیب آفرین تبدیل می شود و افراد با این دید که ناشناخته هستند جرات و جسارت پیدا کرده و سعی در آسیب رسانی به دیگران و جرم و جنایت می کنند. در واقع شبکه های اجتماعی مجازی این قابلیت را به فرد می دهند تا خود را هرگونه که می خواهد فراتر از هویت واقعی خود در جهان فیزیکی بازتعریف و روایت کنند. به قول آنجل آدریان همان قدر که تجارت الکترونیک از تجارت جدا نیست هویت های الکترونیکی در فضای مجازی نیز از هویت های واقعی قابل بازشناسی نیستند (آنجل آدریان، ۲۰۰۸، ص ۳۶۶).

در باب رسانه ها هم، از هنگامی که رادیو و بخصوص تلویزیون در ایران جایگاه ویژه ای در بین مردم یافتند اصطلاح وسایل ارتباط جمعی، همگانی و فرهنگ نیز متولد شد که حاکی از ارتباط رسانه با عوام جامعه است (ستاری ۱۳۸۵ ص ۶۹). در بازار امروز پیام ارتباطی "چه می گوید" بسیار مهمتر از "چه کسی می گوید" است (محسنیان راد). اما در حوزه بازار پیام فرهنگی هر دو مهم است این که "چه کسی چه می گوید". یکی از راه های انتقال فرهنگ، نماد گری، اسطوره سازی و قهرمان پروری است. به اعتقاد محسنیان راد "نماد خود عامل زایش فرهنگ است" از این رو می بینیم که در ساخت کارتون ها و نوشتن شخصیت های قهرمانی برای انتقال پیام ذهنی، بیشتر از نمادها و اسطوره ها استفاده می شود. اسطوره سازی مستلزم هم ذات پنداری است. معمولا در هم ذات پروری فرد با اسطوره و قهرمان داستان یکی می شود و کاملا در آن شخصیت غرق می شود. به نظر، جای خالی چنین اسطوره هایی در جامعه امروز ایران مشهود است و هر ایرانی آن را احساس می کند تا جایی که کودک ایرانی مرد عنکبوتی را بهتر از پوریای ولی و بتمن را بهتر از رستم می شناسد. این شاید زنگ خطری است برای فرهنگ غنی که

اسطوره هایش را امروزی نکرده و در زمان های پیشین جا گذاشته است. حتی ساخت شخصیت های خیالی هم باید در داخل فرهنگ صورت گیرد که کودک و نوجوان متعلق به آن است. اگر به آرمان و اندیشه امام راحل (ره) که معتقد بودند "تلویزیون باید یک دانشگاه باشد" باور داشته باشیم می توان دریافت که رسانه نباید اسیر تئوری "رسانه-سرگرمی" شوند و کارکرد یک بعدی پیدا کنند. رسانه ها باید هنجارها، ارزش ها و میراث فرهنگی جامعه را در قالب فیلم، داستان، مقاله، گزارش مستند و ... به نسل جوان و نوجوان معرفی کنند و از این رهگذر درک آنها از این که چه کسی هستند؟ سابقه تاریخی آنها چیست؟ موقعیت کنونی ما در جهان و منطقه چگونه است؟ تاثیرات منفی ماهواره و اینترنت و دیگر رسانه های فرا ملیتی را گوشزد کنند و این امکان را فراهم سازند تا جوانان و نوجوانان به هویت اصیل فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی خویش پی ببرند. در غیر این صورت باعث گسست فرهنگی و تضاد بین نسل ها می شوند.

۱/ گسست فرهنگی:

حوزه فرهنگی و هویتی یکی از مهمترین حوز هایی است که از رسانه ها و فناوریهای جدید به شدت تاثیر می پذیرند (علیخانی، ۱۳۸۴، عبدالمی ۱۳۸۶). فرهنگ از نظر تایلر به مجموعه کم نظیری از باورها، سنت ها، ارزش ها و آرمان های یک جامعه اطلاق می شود (تایلر ۱۳۷۸). بین جهانی شدن و هویت فرهنگی جوانان رابطه وجود دارد. امروزه جهانی شدن به یک اصطلاح کاملا رایج در رسانه ها، تجارت، اقتصاد، سیاست و مجامع روشنفکران تبدیل شده است. از این رو فرهنگ بیش از هر بخش دیگری با جهانی شدن در ارتباط است. از جمله عوامل موثری که بیشترین تاثیر را در بعد فرهنگی جوامع امروزی به عنوان تکنولوژی نوین عهده دار است اینترنت می باشد. از نظر کاستلز ماهواره و اینترنت با دگرگون ساختن بنیادین ماهیت ارتباطات نقش تعیین کننده ای در تغییر و شکل دهی فرهنگ و هویت ملی شهروندان ایفا می کنند (کاستلز ۱۳۸۰ ص ۳۸۳-۳۸۴). با به وجود آمدن اینترنت و افزایش تولید تلفن همراه هوشمند سبب شد گروهی کثیری از افراد جامعه با سنین مختلف به دنیای مجازی راه پیدا کنند. متأسفانه در جامعه ما از اینترنت، شبکه های اجتماعی مجازی، ماهواره اکثرا به صورت منطقی استفاده نمی شود و این رسانه ها و امکانات اطلاعاتی و ارتباطی بیشتر مروج فرهنگ مادی نگر و لذت جو و فرد گرایانه غربی هستند. یکی از جنبه های آسیب زای آن کاهش تعلقات دینی و اخلاقی در نوجوانان و جوانان است. استفاده از اینترنت و این اواخر شبکه های اجتماعی مجازی در میان ایرانی ها به طور غیر قابل توجهی افزایش یافته و این روند کماکان ادامه دارد. اینترنت به ویژه در میان جوانان ایرانی شیوع زیادی دارد. بنابر یک تقسیم بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران اینترنتی در ایران بوده و بیش از نسل های دیگر در معرض آثار ناشی از اینترنت از جمله مسائل هویتی و بحران هویتی قرار می گیرند. در سال ۱۳۸۶ مرکز "آمار جهانی اینترنت" اعلام کرد ایران رتبه نخست تعداد کاربران اینترنتی را در منطقه خاورمیانه کسب کرده است. از آن جا که ایجاد کنندگان و پیام فرستادگان و برنامه سازان این تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی عمدتاً کشورهای توسعه یافته غربی هستند. تعجبی هم ندارد که انبوه فیلم ها و سایت های پرمخاطب آن ها، هویت فرهنگی و ملی کشورهای مصرف کننده را تحت تاثیر قرار داده و آنها را تضعیف نماید. ما نیز به عنوان کشوری اسلامی باید با توجه به فرصت ها و تهدیدات ناشی از روند جهانی شدن، خود را برای مواجهه با این پدیده مهیا سازیم و با اتکا به داشته های فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی، علاوه بر حفظ هویت خویش با بهره گیری از ابزار برآمده از فرهنگ جهانی درصد جهانی کردن آن باشیم.



۲/ت) گسست و تضاد نسل ها:

بررسی های روانشناسی اجتماعی در زمینه نقش و قدرت رسانه ها نشان می دهد که رسانه های گروهی دارای چنان قدرتی هستند که می توانند نسلی تازه در تاریخ انسان پدید آورند. نسلی که با نسل های پیشین از جهت فرهنگی، هنجارها و آرمانها بسیار متفاوت است. این پدیده از یک سو به روند انتقال فرهنگ آسیب می رساند و در سوی دیگر حافظه تاریخی را مختل می سازد. بدین ترتیب انتقال تجربیات سیاسی و فرهنگی دوره پیشین به زمان حاضر با دشواری انجام می شود (ربیعی ۱۳۷۸ ص ۱۶۵-۱۶۶). ولی اگر جوانان متناسب با نوع نیازهای دینی و مذهبی خود از اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی استفاده کنند. به همان ترتیب استفاده از شبکه های اجتماعی اینترنتی بر شیوه و سبک دینداری آن ها تاثیر می گذارد.

به دلیل پایداری و اثربخشی بلندمدت برنامه های فرهنگی می توان گفت امروز پیروزی با فرهنگی است که برای ترویج الگوهای کهن و غنی سرمایه گذاری بیشتری کند. تا بدانجا که حتی اسطوره ها و الگوهای خود را جهانی سازد. اگر سرمایه گذاری فرهنگی صورت نگیرد یا در حد معقول مورد نیاز نباشد نباید از جوان (کودک دیروز) توقع رفتارهای مطابق با ارزش ها و هنجارهای فرهنگ خودی را داشت زیرا سبک زندگی خود را به طور ناخودآگاه از فرهنگ دیگر الگوبرداری کرده است.

ث) فقدان تمامیت یا یک بعدی آموزش در نهاد آموزش و پرورش:

با توجه به این که نظام آموزش و پرورش در همه کشورها بزرگ ترین نیرو و سرمایه ی انسانی را در اختیار دارد می تواند یکی از بهترین راه های تحکیم و تقویت هویت ملی به شمار آید. چنانچه تربیت را به معنای ارزش ها و میراث فرهنگی والدین به فرزندان تلقی کنیم در این صورت منظور تنها یک جنبه خاص از فرهنگ نیست بلکه جامعیت فرهنگی است.

آموزش و پرورش برای جهان در حال تغییر باید آموزش و پرورش برای تمامیت باشد. آموزش و پرورش یک بعدی و متمایل به متراکم نمودن حافظه، در تکوین هویت فرهنگی، ناکارآمد و مقیم خواهد بود. پی. وازی (۱۹۹۰) می نویسد آموزش و پرورش کنونی بر حافظه و مباحث فنی تاکید می کند و هنوز از بالنده ساختن کامل انسان خیلی به دور است. بالندگی کامل انسان به معنای رشد فیزیکی، اجتماعی، عاطفی، ذهنی و عقلی است. اخلاق باید با یادگیری در هم آمیزد. در واقع به نظر زیبا کلام، فرهنگ و اخلاقیات بخش جدایی ناپذیر یادگیری هستند (زیبا کلام ۱۳۷۱ ص ۱۴۲).

در گذشته که نظام مکتب خانه ای بود والدین مختار بودند با تشخیص مناسب بودن شرایط و امکانات و دستیابی به آموزگاری متعهد و با انگیزه، فرزندان خود را تا شش سال به مکتب خانه سپارند. بچه ها در آنجا برخی از متون خاص و عمدتاً متون دینی به ویژه قرآن، ادبیات عرب شامل صرف، نحو، معانی و بیان و متون ادب فارسی همچون گلستان و بوستان سعدی، بخشی از مثنوی معنوی و ... را فرا می گرفتند. به اذعان بسیاری از صاحب نظران بازدهی همین دوران کوتاه آموزش از جهاتی چند به مراتب بیشتر از چند برابر زمانی است که اکنون برای آموزش نوجوانان و جوانان در سه مقطع ابتدایی راهنمایی و دبیرستان صرف می شود. در واقع فرزندان ما از هفت سالگی تا نوزده سالگی به مدت ۱۲ سال به نظام آموزش و پرورش سپرده می شوند و بدیهی است که سطح انتظارات ما از نهاد آموزش و پرورش چیزی فراتر از آموزش علمی می باشد. بنابراین آموزش و پرورش نباید فقط به ساحت علمی دانش آموزان توجه داشته باشد بلکه باید علاوه بر ساحت علمی، به ساحت دینی، اخلاقی، فرهنگی و انقلابی دانش آموزان که همه این موارد مرتبط با هویت ملی است، نیز توجه داشته باشد و آنها را در وجود دانش آموزان درونی و نهادینه کند. که در ادامه به هر کدام از آنها به طور جداگانه می پردازیم. و اما مقصود از درونی کردن این است که جزئی از



وجدان شخصی آنها شود و بدون زور و اجبار و در مواقعی که احساس آزادی و اختیار می کنند به ارزش های فراگرفته عمل کنند. درونی کردن تا زمانی که دانش آموز آموزش ها را بر اساس کتاب و به شکل حفظ مطالب آن، جهت اخذ نمره فرا می گیرد میسر نمی شود. به عبارت دیگر اگر رفتار دانش آموز در موقعیت های مختلف بررسی شده و خودش نیز رفتار را مورد ارزیابی قرار دهد و با بینش صحیح به اصلاح رفتارهای غلط اقدام نماید تا این که مطلبی را پیرامون خوبی و بدی رفتار بخواند و یا بشنود و بخواهد اقدام کند از لحاظ نتیجه این دو قابل قیاس نیستند.

ساحت علمی: همان متون درسی و کتاب های آموزشی که دانش آموزان باید آن را به درستی فرا گیرند و با کسب امتیاز لازم، سنوات تحصیلی را طی کنند.

ساحت دینی: با پیروزی انقلاب اسلامی، متون آموزشی مدارس با آموزه های دینی و اسلامی تلفیق شده و انتظار آن است که دین و دین داری و پایبندی به ارزش های اسلامی به صورت های مختلف در مقاطع تحصیلی خودنمایی کند. معلمان دروس غیر دینی هم از آیات قرآن و روایات معصومین در تدریس خود بهره گیرند. کارکنان مدرسه شئون اسلامی را رعایت کرده و در اجرای قوانین اسلامی در مدرسه بکوشند. در غنی سازی کتاب دین و زندگی، اهتمام بیشتری شود و در زیباسازی کتاب های دینی و استفاده از تصاویر در این کتاب ها تلاش بیشتری شود. ارزش های اسلامی به زبان قابل فهم و ساده نه با الفاظ فلسفی و ثقیل در کتب درسی گنجانده شود و در بهینه سازی نمازخانه، وضوخانه، کتابخانه و اتاق مشاوره تلاش بیشتر شود.

ساحت اخلاقی: در نهاد آموزش و پرورش موفق، دانش آموزانی به تحصیل اشتغال دارند که ارزش ها و هنجارهای اخلاقی بر رفتار و منش عموم آنها حاکم باشد. این دست از دانش آموزان در کنار نشاط، شادمانی، پویایی و پرتحرکی از رفتار سبک سرانه، تحقیر و تمسخر دیگران، آزار همسالان، فحاشی و ... اجتناب می کنند. به جای آن که تحت تاثیر تهاجم فرهنگی و مدگرایی و الگوهای غربی باشند به فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی خود سخت دلباخته و به آن افتخار می کنند. اهداف اخلاقی اهداف عالی هستند که باید بر تمام انواع آموزش مسلط باشند و فقط اختصاص به ساعات دینی نباشد.

ساحت فرهنگی: دکتر محمد معین فرهنگ را به معنای ادب، تربیت، دانش، علم و معرفت دانسته است. آن دسته از آموزه ها، ارزش ها و هنجارهایی است که در عین مطلوب بودن لزوماً در حوزه ارزش های اخلاقی یا دینی نمی گنجد. به عنوان مثال اهتمام به تاریخ و تمدن، ادبیات، هنر، آداب و رسوم ایرانی، در عین آن که مربوط به ساحت فرهنگی است می توان آنها را جدا از عرصه های دینی و اخلاقی مورد ارزیابی قرار داد.

ساحت انقلابی: ارزش های والا و شکوهمندی همچون استقلال، آزادی، جهاد، شهادت، بیگانه ستیزی، هویت ملی و اسلامی و ... از این دست هستند. آموزش و پرورش آن گاه در همگام کردن فرزندان این آب و خاک با ارزش های انقلاب اسلامی کامیاب است که توانسته باشد این ارزش ها را در دل و ذهن آنها به عنوان باورهای قلبی نهادینه کند.

اگر آموزش و پرورش را جریان جامعه پذیری یا اجتماعی کردن اعضای جدید جامعه در نظر بگیریم (علاقه بند ۱۲۷۳ ص ۱۳۶).

و از سوی دیگر به عنوان اصلی ترین نهادی در نظر بگیریم که وظیفه درونی کردن ارزش ها و اصول حاکم بر جامعه را بر عهده دارد (پار محمدیان ۱۳۷۷). لازم است در متن های نظام آموزشی، هویت ملی که یکی از جامع ترین بخش های هویت (از نوع



جمعی) و دارای بیشترین اهمیت در نظام اجتماعی است، نقش پررنگی داشته باشد. به عبارت دیگر تلاش در جهت رشد و تقویت هویت ملی از نیازهای اصلی و اساسی در نظام آموزش و پرورش محسوب شود.

شیخوندی (۱۳۷۹) یکی از اساسی ترین رسالت های آموزش و پرورش را القا و تنفیذ هویت ملی در جریان تربیت می داند بدون آن که مانعی برای رشد و بالندگی فردی، گروهی و قومی باشد. کوهن معتقد است مدرسه تنها مکانی برای یادگیری مهارت هایی مانند حساب کردن نیست بلکه، مکانی است برای یادگیری میهن پرستی (به نقل از میلر ۱۳۸۶ ص ۸۷). براین اساس، مدارس را باید یکی از مکان هایی دانست که در آن هویت ملی مشترک، زایش دوباره می یابد و کودکان آماده می شوند تا به عنوان یک شهروند دموکراتیک در آینده نقش اساسی را در جامعه ایفا می کنند (میلر ۱۳۸۶). برای تحقق این امر باید محتوای برنامه درسی دانش آموزان مورد بازنگری جدی قرار گیرد. نظام آموزش و پرورش از ارکان و عناصر متعددی تشکیل شده که در ارتباط با یکدیگر و در راستای رسیدن به اهداف متعالی تعلیم و تربیت، تلاش هماهنگ و یکپارچه ای را انجام می دهند. از میان ارکان و عناصر مختلف این نظام، برنامه درسی به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام و آموزش و پرورش نقش محوری در شکل گیری هویت ملی ایفا می کند (تابا ۱۹۶۲ ص ۱۰). یکی از صاحب نظران برجسته عرصه تعلیم و تربیت معتقد است یک برنامه درسی بیش از هر چیز به نحوه آماده سازی نسل جوان یک جامعه به صورت افراد سازنده و مفید برای آن جامعه تلقی می شود (به نقل از پرونده ۱۳۸۰ ص ۲۷).

برنامه درسی عبارتند از آنچه باید به دانش آموزان تدریس شود و یا به عبارت دیگر برنامه درسی عبارت است از محتوا یا آنچه باید تدریس شود و یاد گرفته شود (خوی نژاد ۱۳۸۳).

بررسی هویت ملی در تعلیم و تربیت چند کشور خارجی

در زمینه هویت ملی در تعلیم و تربیت تحقیقات زیادی در خارج از کشور صورت گرفته که در همه آنها بر لزوم شکل گیری هویت ملی در دانش آموزان تاکید شده است. از آن جمله در تعلیم و تربیت کانادا بر نقش برنامه درسی ملی در ایجاد نگرش ها و ارزش های همسان در مقوله های اقتصاد و فرهنگ و جامعه پیشرفته در یک کشور تاکید شده است.

در نظام آموزشی نروژ نیز هویت ملی در ساختار برنامه درسی وارد شده است.

در برنامه تنظیم شده یونسکو، میهن دوستی در زمره ارزش های اصلی با مرکزیت شان انسانی است که در قالب همبستگی ملی، احترام به فرهنگ خودی و فرهنگ دیگران، ارزش گذاری به میراث ملی، تعلیمات مدنی و مسئولیت های اجتماعی از اهداف برنامه درسی شمرده شده است.

کیم (۲۰۰۴) برنامه درسی کره را مورد نقد و بررسی قرار داده است و اشاره می کند که توجه به هویت ملی در درس مطالعات اجتماعی برنامه درسی کره از نیمه قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است به علاوه از آن زمان تاکنون برنامه درسی کره، هفت بار مورد تجدیدنظر قرار گرفته است که در هر مرتبه با توجه به تغییرات اجتماعی کره و همچنین جهان، مفهوم پردازی هویت ملی در برنامه درسی اصلاح شده است.



بینگ جین (۲۰۰۲) در تحقیقی به رابطه میان آموزش و هویت ملی می پردازد. در این پژوهش آمده است کشورهای مختلف دنیا از جمله کره، مایلند از طریق آموزش اجباری زمینه را برای مردم مهیا سازند تا آنان مانند خودشان زندگی کنند. هدف از آموزش یکدست کردن مردم و ایجاد هویت ملی است.

پارمنتر (۱۹۹۹) در تحقیقی نشان داد سیاستگذاران آموزش و پرورش ژاپن با دانش آموزان مدارس متوسطه و دانشجویان مراکز تربیت معلم در ارتباط با این موضوع که لازم است به نقش آموزش و پرورش در رشد هویت ملی در مدارس اهمیت بیشتر داده شود نظرات یکسانی دارند.

فونتسوگ (۱۹۹۴) در بررسی هویت ملی در تبت نشان داده است که تبتی ها بخصوص پس از حاکمیت چینی ها بر این سرزمین، برای آنکه هویت ملی شان در نسل جوان رو به افول نرود بهای زیادی به برنامه درسی مدارس داده اند.

واما بررسی هویت ملی در تعلیم و تربیت کشور ایران

در کشور ما برخلاف بسیاری از کشورها که برای بحث هویت ملی اهمیت زیادی قائلند، نظام تعلیم و تربیت هنوز قدم های ابتدایی را برمی دارد. نقش فعالیتهای مدارس در شکل دهی هویت ایرانی در دانش آموزان کم رنگ بوده و به درستی نتوانسته است آگاهی تعلق خاطر، پایبندی به ارزش ها، باورها، هنجارها، نمادها، اسطوره های ملی، آگاهی از جغرافیای ایران و میراث فرهنگی را که سازنده هویت ایرانی است در دانش آموزان ایجاد کند به عبارت دیگر فرهنگ اصیل ایرانی در مدارس مورد بی توجهی قرار گرفته است.

طالبی (۱۳۸۷) در تحقیقی تحت عنوان "تحول هویت ملی دانش آموزان دختر ابتدایی و راهنمایی به این نتایج دست یافت که وجود احساس تعلق به هویت ملی در دانش آموزان دوره تحصیلی ابتدایی و راهنمایی وجود ندارد و رابطه معناداری بین دوره تحصیلی و تعلق به هویت ملی مشاهده نگردید.

شکیبائیان (۱۳۸۳) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی در شکل دهی به هویت ملی" نشان داد که در کتاب های درسی دوره ابتدایی نمی توانند نقش چندان مؤثری در شکل گیری و تحکیم مؤلفه های اسطوره های نمادین هویت ملی، که یکی از ابعاد مهم شخصیت و رشد همه جانبه فردی و اجتماعی دانش آموزان است داشته باشد.

شیخاوندی (۱۳۸۳) در تحقیقی تحت عنوان "بازتاب هویت اقلام ایرانی در کتب های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی" به نتایج زیر دست یافت که کتاب های درسی تعلیمات اجتماعی و جامعه شناسی در دوره ابتدایی و راهنمایی به مقولات فرهنگی و هویت ملی نپرداخته اند.

شمشیری (۱۳۸۵) در تحقیقی تحت عنوان "درآمدی بر هویت ملی شیراز" به نتایج زیر دست یافت که: بازنگری چندساله امور تربیتی پس از انقلاب نشان می دهد با وجود اهتمام ویژه نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به بعد پرورشی تعلیم و تربیت که در قانون اساسی نیز به آن اشاره شده، در عمل موفقیتی به دست نیاورده است. البته نقش مربیان تربیتی یا پرورشی را نباید در این زمینه نادیده گرفت و تلاش و فعالیت این عزیزان در این زمینه می تواند کمکی برای جبران نقص کتاب های درسی و کمبود امکانات آموزشی باشد. کمک به رشد ابعاد گوناگون هویت دانش آموزان از جمله هویت فردی، هویت اجتماعی و

هویت دینی از رسالت های محوری امور تربیتی یا پرورشی است. اما به نظر می رسد فعالیت های پرورشی با هدف کمک به شکل گیری ابعاد هویت ملی دانش آموزان طراحی نشده یا در این راه توفیق نداشته اند. گذشته از محدودیت امکانات مدارس که می تواند بر کمیت و کیفیت مناسب مربیان اثر داشته باشد، شیوه ارزیابی فعالیت های پرورشی از سوی ادارات آموزش و پرورش به جهت گیری غالباً، کمی فعالیت مربیان اثرگذار بوده است. در نهایت به نظر می رسد که سطح دانش و مهارت مربی پرورشی بیش از هر چیزی در جهت دهی ابعاد هویتی دانش آموزان می تواند مؤثر باشد. شاید بتوان هنوز امیدوار بود که با برگزاری دوره های ضمن خدمت اثربخش که در آن جا ابعاد هویتی دانش آموزان، آسیب های آن، نظریه های مختلف هویت و همچنین راه های رشد و شکل گیری آنها مورد بحث قرار گیرد، در این راه گام برداشت. لازم به ذکر است، فعالیت های فوق برنامه جاری که در مدارس ایران انجام می شود شامل مسابقه های شعر، قصه نویسی، مطالعه - تحقیق و بازدید هاست که بیشتر به جنبه مذهبی توجه دارد تا جنبه های ملی آن مانند (جغرافیای ایران، بعضی هنجارهای ملی مانند عید نوروز، رسوم شب یلدا، نمادها و اسطوره های ملی) که در شکل گیری هویت ملی نقش بسیار مهمی دارند.

بنابراین پروند معتقد است مدارس هر جامعه به طور اعم و برنامه درسی آموزشی آنها به طور اخص باید آئینه تمام نمایی از خصایص قوی تاریخی و فرهنگی آن جامعه به شمار آید و اغلب منعکس کننده ارزش ها، آداب و سنن فرهنگی و یادآور تجربیات قومی و تاریخی آن مردم باشد (پروند ۱۳۸۰ ص ۱۸۱).

نقش خانواده در تربیت فرزندان

علاوه بر نظام آموزش و پرورش نهاد خانواده نیز نقش حیاتی در شکل گیری و رشد هویت دارد. اعتقادات و رفتارهای والدین که در قالب شیوه های فرزند پروری نمود پیدا می کند، عامل مؤثری در تکوین و تثبیت خصوصیات رفتار مذهبی، ملی و اعتقادی فرزندان است. خانواده نخستین محل تعلیم و تربیت و عرصه آموزش برای تمام افراد است. این جاست که بخش اعظم سلیق، علائق، شخصیت و الگوهای رفتاری افراد در خانواده آنها شکل می گیرد. مدرسه به عنوان مکمل خانواده کانونی است که در آن افراد، همراه با تعلیم و کسب معلومات تربیت می شوند. اما تضاد افکار بین خانواده و مدرسه می تواند مخرب و ویرانگر باشد و دانش آموزان را دچار بحران هویت و سردرگمی کند. در این زمینه انجمن اولیا و مربیان به عنوان رابط میان خانواده و مدرسه می تواند نقش کلیدی ایفا کند. آگاه کردن والدین از محیط مدرسه و فعالیت هایی که مدارس برای دانش آموزان در نظر می گیرند می تواند در هم جهت شدن خانواده و مدرسه مؤثر و مفید باشد. این رابطه می تواند دوسویه و متقابل باشد و والدین نیز در برنامه های غیر درسی و پنهان، مشارکت داشته باشند تا همسو با مدرسه در جهت تحکیم هویت دانش آموزان قدم بردارند.

خانواده از نهادهای نخستین است که شالوده هویت اجتماعی محسوب می شود و نیز به عنوان میانجی در اجتماعی شدن فرد و همنوایی وی با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است (وثوقی و نیک خلق ۱۳۷۶ ص ۱۷۳-۱۷۴).

بدیهی است نوجوانان نیز از این قاعده مستثنی نیستند زیرا نگرش والدین نسبت به مسائل ملی به آنها منتقل می شود و علاقه و افتخار ملی را در آنان ایجاد می کند و گرایش به مؤلفه های هویت ملی را در آنان تقویت و افزایش می دهد که این خود زمینه ساز امنیت و توسعه اجتماعی خواهد شد (آزادارمکی و غفاری ۱۳۸۳ ص ۴۱).



سیف عنوان می کند که تحقیقی در زمینه خانواده از این نظر قابل توجه است که مسئله اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری بدون توجه به پرورش اساسی فرد در خانواده و انتقال فرهنگ جامعه، جز با ملاحظه ویژگی ها و آثار خانواده امکان پذیر نیست (سیف ۱۳۶۸ ص ۶).

آخوندی (۱۳۷۷) در پژوهشی به این نتایج دست یافته است که شرکت جوانان و خانواده هایشان در مراسم ملی و مذهبی، گفت و گو پیرامون مذهب، مشورت با خانواده و تماشای برنامه های تلویزیونی ایرانی بر هویت ملی و مذهبی تاثیر مستقیم دارد.

غفوری کله (۱۳۸۴) در پژوهشی نشان می دهد که در خانواده هایی که والدین پایبندی بالایی نسبت به مؤلفه های دینی و ملی دارند، جوانان نیز از هویت دینی و ملی قوی تری برخوردارند.

بلومر عنوان می کند که در جامعه، خانواده هر کس می تواند متاثر باشد علت این امر آن است که کودک بزرگ ترین و بیشترین تجربه را از پدر و مادر خود فرامی گیرد و در کوتاه مدت، بیشترین تجربیات را می آموزد (آزاد ارمکی ۱۳۷۶ ص ۲۷۳).

بنابراین می توان از طریق برنامه ریزی های ظریف و اصولی، در مورد اسطوره ها، شخصیت ها و وقایع ملی بیشتر کار شود و سازمان ذیربط به منظور آشنایی بیشتر خانواده ها و نوجوانان در این رابطه بهتر عمل کنند. گاه مشاهده می شود که خانواده ها و نوجوانان با اسطوره های ملی آشنایی ندارند و توصیه می شود برنامه هایی به منظور تقویت اطلاعات خانواده ها در زمینه مسائل جامعه ارائه شود. در نهایت امر، این مسئله، منجر به تقویت باورها و گرایش نسل بعدی به مسائل اجتماعی و تقویت هویت اجتماعی آنان خواهد شد. فرهنگ سراهای مناطق و نهادهایی همچون وزارت فرهنگ و ارشاد، سازمان ملی جوانان، نظام آموزش و پرورش و... می توانند برنامه ها یا مناسبت های متنوع و جذابی را برای نوجوانان و خانواده های آنها در رابطه با مسائل ملی طراحی کنند و زمینه مشارکت آنها را در این برنامه ها فراهم کنند. اگرچه شرایط صنعتی شدن و پیدایش ساختار جدید اجتماعی، بعضی از وظایف خانواده را به دیگر نهادهای اجتماعی محول کرده ولی خانواده هنوز هم کانون اصلی جامعه پذیری فرد محسوب می شود و والدین بسیاری از هنجارها ارزش های فرهنگی و زمینه های مورد نیاز مربوط به زندگی فردی افراد را از طریق ارتباط با فرزندان و در فرایند جامعه پذیری به آنها منتقل می کنند (غفوری کله ۱۳۸۴ ص ۵).

نتیجه:

از آن جا که امنیت در دوره کنونی از بعد سخت افزاری (سیاسی-نظامی) به بعد نرم افزاری (ارزش ها، هنجارها، هویت) متمایل شده است، ارزش ها و هنجارهای مخرب غیربومی با بهره گیری از ابزارهای ارتباطی از جمله فضای مجازی، می تواند زیان های جبران ناپذیری به بنیان های ارزشی جامعه مذهبی ایران وارد سازد. همچنین ما نمی توانیم با محدودیت و منع کودکان و نوجوانان آنها را از ورود به دنیای دیجیتال منع کنیم، چرا که شرایط بی رحم، پیچیده، پویا و نامطمئن امروز باید با پرورش ذهن خلاق باشد و اگر چیزی جز این باشد، نمی توان به باقی ماندن خود امیدوار بود و از دیگرسو سرعت پیشرفت در جوامع امروزی به حدی است که لحظه ای تاخیر، فاصله را به شدت زیاد خواهد کرد. از این رو مدیران و سیاستگذاران امنیتی الزاما باید در تدوین راهبردهای امنیتی کشور توجه ویژه ای به این قشر جامعه داشته باشند. نسل جوان کنونی نسل پرجنب و جوش و آگاه است که متاسفانه در برابر بحران ها و چالش های عظیم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حمله تبلیغاتی سامانه های ارتباطی-اطلاعاتی کشورهای غربی که در اندیشه مسخ هویتی مردم ایران هستند، قرار گرفته است. به همین دلیل توجه به امنیت اجتماعی هویت از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این راستا علاوه بر دستگاه های سیاستگذار و مجری، نهادهای

جامعه پذیری (مدرسه خانواده جامعه و...) به مثابه بخش نرم افزاری نظام اجتماعی با تقویت سرمایه های فرهنگی و اجتماعی و ارائه الگوهای صحیح و مقبول ارزشی می توانند نقش زمینه ساز (غیرمستقیم) را در ایجاد همگونی و یکپارچگی ملی و مقابله با ناامنی های داخلی و تهدیدات برآمده از فضای مجازی ایفا نمایند. برای نمونه با بومی کردن و محلی کردن محتوا در اینترنت و فضای مجازی می توان مرزهایی که در جهان واقعی وجود دارد، به صورت مجازی در اینترنت بازسازی و نمادهای هویت را در آن جا مطرح کرد تا بتوان هویت های مربوط به آن مرزها را بازسازی نمود. همان طور که بیان شد جهان مجازی در موازات جهان واقعی در حرکت است بنابراین با بازسازی هویت در جهان مجازی هویت ها در جهان واقعی تقویت می شوند. دیگر این که درون فضای مجازی علاوه بر ترسیم مجدد مرزها، فرهنگ محلی و فرهنگ اختصاصی هر گروه بازنمایی شود بدین ترتیب نظام سیاسی-اجتماعی با کارکرد حفظ الگو و درونی کردن ارزش ها از طریق سیاست گذاری های درست و عملکرد معقولانه نهاد های جامعه پذیری (خانواده، هم سالان، مذهب، آموزش و پرورش، رسانه و...) می تواند از بروز رفتارهای انحرافی و کجروی های اجتماعی-روانشناختی جلوگیری کند و تمام توان خود را در راستای نیل به اهداف به کارگیرد. ما به عنوان کشور اسلامی باید با توجه به فرصت ها و تهدیدات ناشی از روند جهانی شدن، خود را برای مواجهه با این پدیده مهیا سازیم و با اتکا به داشته های فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی علاوه بر حفظ هویت خویش با بهره گیری از ابزار برآمده از فرهنگ جهانی درصدد جهانی کردن آن باشیم. چرا که فرهنگ، حاصل آفرینش انسانی و اجتماعی است که ظرف و مظهر آن را تعیین می کند. از این روی، فرهنگ بیش از هر بخش دیگر با جهانی شدن در ارتباط است. هویت های فرهنگی، ملی، دینی و اخلاقی بر بستر جهانی شدن شکل خواهد گرفت پس نباید آنها را چون سنتی ثابت و تغییر ناپذیر تقدیس کرد، بلکه می بایست آن ها را فرایندی شکل پذیر دانست که نه تنها می توانند خود را با وضعیت های نوین تطبیق دهند، بلکه در عین حال، اهداف و غایت آن را بازتعریف نمایند و در عین انعطاف پذیری، انسجام خود را در عرصه جهانی شدن حفظ کنند.

منابع فارسی:

- آخوندی، محمدباقر، ۱۳۷۷ " بررسی هویت ملی و مذهبی جوانان مشهدی و تاثیر روابط اجتماعی بر آن"، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد
- آزادارمکی، تقی، غفاری، غلام رضا، ۱۳۸۳ "جامعه شناسی نسلی تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
- اسمیت، آ، (۲۰۰۱)، ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، مترجم: انصاری، منصور، (۱۳۸۳)، تهران: موسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی، باقری، معصومه، سلیمانیان نژاد، محمد، (۱۳۸۹) "بررسی جامعه شناسی هویت جوانان" دانشنامه علوم اجتماعی، دوره اول شماره ۳
- باقری دولت آبادی، علی، زارعیان جهرمی، فرج الله، (۱۳۹۲) "تاثیر فضای مجازی بر هویت و همبستگی ملی" فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۶۰
- پروند، م، (۱۳۸۰) "مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی"، تهران: شیوه
- توسلی، قاسمی، (۱۳۸۳) "هویت جمعی و جهانی شدن" نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۲۶-۱
- حاجیانی، (۱۳۷۹) "تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه" فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵، صص ۲۲۸-۱۹۳



خوی نژاد(۱۳۸۳)"تعریف برنامه درسی" ویراستار: مهرمحمدی محمود برنامه درسی: نظرگاه ها رویکردها و چشم اندازها مشهد: آستان قدس رضوی صص ۳۹-۱۹

دانایی، ابوالفضل، بابائی ساروئی، مصطفی، (۱۳۹۶)"نقش رسانه های مجازی در گرایش به هویت ملی" فصلنامه مطالعات ملی ۷۱، سال هجدهم، شماره ۳

داودی ابراهیم ملکی عباس (۱۳۹۳)"بحران هویت و تاثیر آن بر امنیت فرهنگی و اجتماعی در ایران" فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی سال نهم شماره ۳۰

ربیعی، علی، (۱۳۸۷)"رسانه های نوین و بحران هویت" فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۴، صص ۱۷۶-۱۴۹

رضایی کلانتری، مرضیه، حسن زاده، رمضان، موسوی، سید محسن، (۱۳۹۰)"تاثیر مولفه های آموزش و پرورش در شکل گیری هویت ملی دانش آموزان" فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد واحد گرمسار، سال پنجم، شماره ۳، صص ۵۱-۶۶

روشندل، جلیل، (۱۳۷۴)"امنیت ملی و نظام بین الملل" تهران: سمت

زارع شاه آبادی، اکبر، صادقی، شیوا، (۱۳۹۱)، "خانواده و هویت ملی بررسی موردی دانش آموزان شهر یزد" فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۸۷-۶۵

زیبا کلام، فاطمه، (۱۳۷۹)"مبانی فلسفی آموزش و پرورش در ایران"، تهران: نشر حفیظ

ستاری، جلال، (۱۳۸۵)"اسطوره و فرهنگ"، تهران، چاپ اول، نشر: مرکز

سریع القلم، محمود، (۱۳۸۳)، "پارادوکس هویت در ایران" تقابل لیبرالیسم و اسلام در مجموعه مقالات هویت در ایران به اهتمام: علیخانی، علی اکبر، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی

سیف، سوسن، (۱۳۶۸)، "تئوری رشد خانواده" تهران، انتشارات: دانشگاه الزهرا

شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۵)"بحران هویت فرهنگی در ایران و پیامدهای آن" مجله روانشناسی و علوم تربیتی ویژه فلسفه تعلیم و تربیت، شماره ۳ و ۴، صص ۶۰-۴۵

شریعتی، علی، (۱۳۷۱)"بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی"، انتشارات: آمون

شفرز، برنهارد، (۱۳۸۳)"مبانی جامعه شناختی جوانان"، مترجم: راسخ، کرامت الله تهران نشر: نی.

شکیباییان، طناز، (۱۳۸۳)"بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی در شکل دهی هویت ملی" پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد.

شمشیری، (۱۳۸۷)"درآمدی بر هویت ملی"، شیراز، انتشارات: نوید شیراز.

شیخوندی، داور، (۱۳۷۹)، "تکوین و تنقید هویت ایرانی" تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

شیخوندی، داور، (۱۳۸۰)، "ناسیونالیسم و هویت ایرانی" تهران، انتشارات: شابک.



طالبی، سکینه، (۱۳۷۸)، "تحول هویت دانش آموزان دختر دوره ابتدایی و راهنمایی"، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

علاقه بند، علی، (۱۳۷۳)، "مقدمات مدیریت آموزشی"، تهران، بعثت.

غفوری کله، معصومه، (۱۳۸۴)، "بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تاکید بر تاثیر خانواده بر آن"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم اجتماعی-اقتصادی.

قربان زاده، سلام الله، (۱۳۷۷)، "بررسی عوامل موثر در رشد و تثبیت باورهای دینی دانش آموزان دوره متوسطه استان آذربایجان غربی"، طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی.

کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، "عصر اطلاعات اقتصاد جامعه و فرهنگ"، ترجمه: چاووشیان، حسن، جلد ۲، تهران: طرح نو

لقمان نیا، مهدی، خامسان، احمد، (۱۳۸۹)، "جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران"، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲، صص ۱۷۱-۱۴۷.

محسنیان راد، مهدی، (۱۳۸۹)، "روش های مصاحبه خبری"، تهران، چاپ نهم، انتشارات: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.

مرادی، زهرا، (۱۳۸۵)، "بررسی علل گرایش جوانان به دین در شهر همدان"، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته احکام و فلسفه اسلامی کرج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

معمار، ثریا، عدلی پور، صمد، خاکسار، فائزه، (۱۳۹۱)، "شبکه های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تاکید بر بحران هویتی ایران)"، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، شماره ۴، صص ۱۷۶-۱۵۵.

میرمحمدی، داود، (۱۳۸۳)، "گفتاری درباره هویت ملی در ایران"، تهران: تمدن ایرانی.

میلر، (۱۳۸۶)، "نظریه های برنامه درسی"، مترجم: مهرمحمدی، محمود، تهران، نشر: سمت.

وثوقی، منصور، نیک خلق، علی اکبر، (۱۳۷۶)، "مبانی جامعه شناسی"، تهران: خردمند.

یار محمدیان، م.، (۱۳۷۷)، "اصول برنامه ریزی درسی"، تهران: یادواره کتاب.



منابع لاتین :

- Adrian, A.(2008),"No One Knows You Are a Dog:Identity and Reputation in Virtual Words", Computer Law and Security Report, VOL.24:366-374.
- Erickson, E. H. (1960).Identity ,Youth,and crisis,New York W.w.Norton\$ co,INC.
- Erikson,E,H.(1968).Identity and the life cycle,New York W.w.Norton \$ co ,INC.
- Erickson,E.H.(1968).Identity.Youth and Crisis .NewYork:Norton.
- Kim,H.J.(2004),National Identity in Korean Curriculum,Canadian Social Studies,Vol.38(3):74-89
- Parmenter,L.(1999),Constructing National Identity in a Changing World:Perspectivesin Japanese Education, British Journal of Sociology of Education, Vol.20(4):453-63
- Pempek,T.,& et al.(2009),College students, social networking experiences on Facebook , Journal of Applied Developmental Psychology,30:227-238
- Phuntsog,N.(1994),Renewal of Tibetan School Curriculum in Exile,ATibetan-centricapproach , Reports descriptive, from :ERIK(ED383617),retrieved 15/11/2009
- Poole,R.(2003),National Identity and Citizenship ,in Linda, Martin Alcoff and Eduardo Mendieta (Eds),Identities,UK:Black Well Publishing.

Archive of SID